

## رابطه هوش عمومی و معنوی با آسایش معنوی

فرامرز سهرابی<sup>۱</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین رابطه هوش عمومی و هوش معنوی با آسایش معنوی انجام شد. طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع هم‌بستگی است. جامعه آماری شامل دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ بود که براساس جدول مورگان تعداد ۳۷۰ نفر به‌عنوان نمونه با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، مقیاس هوش غیر کلامی کتل، پرسش‌نامه آسایش معنوی، و مقیاس هوش معنوی استفاده شد. داده‌ها با روش هم‌بستگی پیرسون و رگرسیون هم‌زمان تحلیل شد. نتایج نشان داد که هوش عمومی با هوش معنوی و مؤلفه‌های آن (به غیر از مؤلفه فهم معنا و تأثیر امور دینی) رابطه معناداری ندارد. هم‌بستگی آسایش معنوی با هوش معنوی و مؤلفه‌های آن (به غیر از مؤلفه‌های تفکر انتقادی وجودی و سازگاری معنوی در روابط بین‌فردی) معنادار است. نتایج تحلیل رگرسیون هم‌زمان نشان داد که متغیر هوش عمومی تنها ۴ درصد از تغییرات متغیر ملاک آسایش معنوی را پیش‌بینی کرده است و هوش معنوی و مؤلفه‌های آن توانسته‌اند ۷/۱ درصد از تغییرات متغیر ملاک آسایش معنوی را پیش‌بینی کنند. براساس یافته‌های این پژوهش، مسئولان و مدیران مراکز مشاوره دانشگاه‌ها می‌توانند با مداخله‌های متمرکز بر هوش معنوی در قالب کارگاه و دوره‌های آموزشی در جهت ارتقای معنوی و

---

۱. استاد گروه روان‌شناسی بالینی و عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی (sohrabi@atu.ac.ir) (نویسنده مسئول)

دینی و سلامت معنوی دانشجویان اقدام کنند.  
واژه‌های کلیدی: هوش معنوی، هوش عمومی، آسایش معنوی، دانشجویان.

### Investigating the relations of general and spiritual intelligences with spiritual well-being

Faramarz Sohrabi, PhD<sup>1</sup>

#### Abstract

The present study was conducted to investigate the relationship between general intelligence and spiritual intelligence with spiritual well-being. The present research is descriptive-correlational. The statistical population of this study was all undergraduate students of Allameh Tabataba'i University in Tehran during the academic year of 1969-97, based on the Morgan table, 370 subjects were selected through multi-stage cluster sampling. To collect the data, a demographic questionnaire, Cattells non-verbal intelligence scale, Spiritual Well-being Questionnaire, and the Spiritual Intelligence Scale were used. Data were analyzed by Pearson correlation and regression analysis. The results showed that there was no significant relationship between General Intelligence and spiritual intelligence and its components (except for understanding spirituality and the effect of religious affairs). The correlation between spiritual well-being with spiritual intelligence and its components was significant at the level of 0.01, (except for components of existential critical thinking and spiritual compatibility in interpersonal relationships). The results of enter regression analysis also showed that Spiritual well-being and the existential health component have been able to predict 7.1% of the variation of the dependent variable of spiritual intelligence. Based on the results it can be said that officials and managers of counseling centers of universities can focus on spiritual intelligence in the form of workshops and training courses to promote spirituality and religion, and spiritual well-being of students.

**Keywords:** Spiritual Intelligence, General Intelligence, Spiritual Well-being, Students.

#### مقدمه

اهمیت رشد معنوی در انسان، در دهه‌های گذشته به صورتی روزافزون توجه روان‌شناسان و

1. Professor, Allameh Tabataba'i University (sohrabi@atu.ac.ir) (Corresponding Author)

سایر صاحب‌نظران و متخصصان را به خود جلب کرده است. امروزه، مطالعات مربوط به معنویت با مفهوم هوش عمیقاً گره خورده و پژوهش در این حوزه چالش‌برانگیز است. هوش معنوی<sup>۱</sup> یکی از مفاهیمی است که در اثر علاقه‌مندی روان‌شناسان به حوزه دین و معنویت توسعه یافته است. معنویت ذهنی و شخصی است، در حالی که هوش برای حل مسائل عینی و دنیای بیرونی است. ساختار هوش معنوی جنبه‌های ذهنی معنویت را با کاربرد عینی هوش ترکیب کرده که با مفاهیم روان‌شناسی، زیست‌شناسی، دین، معنویت، فلسفه، و عرفان درهم تنیده شده است (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۷).

مفهوم هوش معنوی براساس کارهای گاردنر<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) و توسط بولینگ (۱۹۹۹)، به نقل از کینگ<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) و زوهر و مارشال<sup>۴</sup> (۲۰۰۰)، پیشنهاد شده و در دهه‌های گذشته، نظریه‌ها و پژوهش‌های متعددی در مورد آن منتشر شده است. هوش معنوی دربرگیرنده نوعی سازگاری و رفتار حل مسئله است که بالاترین سطوح رشد را در حیطه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی، و بین‌فردی شامل می‌شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده‌های اطراف و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی کمک می‌کند (نصرتی و همکاران، ۱۳۹۶). هوش معنوی برای حل مشکلات و مسائل مربوط به معنای زندگی و ارزش‌ها کاربرد دارد و سؤال‌هایی مانند «آیا شغل من باعث تکامل من در زندگی می‌شود؟» و «آیا من در شادی و آرامش روانی مردم سهیم هستم؟» را در ذهن ایجاد می‌کند (سهرابی، ۱۳۸۷).

از نظر زوهر و مارشال (۲۰۰۰) هوش معنوی عبارت است از هوشی که به کمک آن فرد آماده می‌شود و مشکلات مربوط به معنا و ارزش را حل می‌کند، هوشی که با آن فرد می‌تواند اعمال و زندگی‌اش را در بافتی گسترده‌تر، غنی‌تر، و معنادارتر قرار دهد، و هوشی که با آن شخص می‌تواند یک روش یا مسیر زندگی را که معناداری بیشتری نسبت به سایر مسیرها دارد ارزیابی کند. هوش معنوی دارای ابعاد مختلفی شامل توانایی تولید معنای شخصی، تفکر انتقادی وجودی، درک و بسط حالت‌های آگاهی و فراروندگی، درک پدیده متعالی در ورای موجودات هستی، فهم معنا و تأثیر امور دینی، حل مسائل با استفاده از منابع معنوی، و سازگاری معنوی در روابط بین‌فردی است.

1. spiritual intelligence
2. Gardner
3. King
4. Zohar & Marshal

یکی از عواملی که می‌تواند با هوش معنوی افراد رابطه داشته باشد هوش عمومی<sup>۱</sup> آن‌هاست. گیج و برلاینر<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) با بررسی تعاریفی که از هوش مطرح شده، به این نتیجه رسیده‌اند که هوش عمومی از سه جنبه تشکیل می‌شود: ۱) توانایی و استعداد کافی برای یادگیری و درک امور؛ ۲) هماهنگی و سازش با محیط؛ و ۳) بهره‌برداری از تجربه‌های گذشته، به کار بردن قضاوت و استدلال صحیح، و یافتن راه‌حل منطقی در مواجهه شدن با مشکلات (به نقل از انجم‌شعاع و همکاران، ۱۳۹۶). گاردنر (۲۰۰۰) معتقد است که هشت نوع هوش (شامل هوش زبانی - کلامی، منطقی - ریاضی، موسیقایی، دیداری - فضایی، بدنی - جنبشی، درون‌فردی، بین‌فردی، و طبیعت‌گرا) وجود دارد و بعدها دو نوع دیگر هوش یعنی هوش معنوی و هوش هستی‌گرا را به‌عنوان کاندیدای هوش معرفی کرد. هوش عمومی کلی‌تر از هوش معنوی است. هوش معنوی یکی از انواع آن محسوب می‌شود. هوش معنوی خلاف هوش عمومی که رایانه‌ها هم دارای آن هستند، خاص انسان است. هوش معنوی اساس موضوع‌هایی است که به آن‌ها ایمان داریم که به انسان تمامیت می‌بخشد و به او یکپارچگی و وحدت عطا می‌کند (سهرابی، ۱۳۸۷). بنابراین، برای موفقیت در زندگی لازم نیست که افراد صرفاً دارای هوش عمومی بالا باشند؛ بلکه لازمه موفقیت هوش معنوی بالاست که باعث می‌شود افراد با داشتن آن از حد جسم و ماده فراتر روند و حالت‌های اوج هوشیاری را تجربه کنند و از منابع معنوی برای حل مسائل بهره ببرند (اسمیت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵).

یکی دیگر از متغیرهای مرتبط با هوش معنوی، آسایش معنوی<sup>۴</sup> است. آسایش معنوی جدیدترین بُعد سلامت است که در کنار سایر جنبه‌های سلامت قرار گرفته است. هر چند تعریف آسایش معنوی دشوار است؛ ولی می‌توان گفت آسایش معنوی یکی از ابعاد مهم سلامت در انسان محسوب می‌شود که ارتباط هماهنگ و یکپارچه‌ای را بین نیروهای درونی فرد فراهم می‌کند و با ویژگی‌های ثبات در زندگی، صلح، احساس ارتباط نزدیک با خود، خدا، جامعه و محیط مشخص می‌شود (کراون و هیرنل<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳). آسایش معنوی دارای دو بُعد سلامت مذهبی و سلامت وجودی است. سلامت مذهبی به چگونگی

1. Intelligence Qoutient (IQ)
2. Gage & Berliner
3. Smith
4. Spiritual well-being
5. Craven & Hirnle

درک افراد از سلامتی در زندگی معنوی‌شان هنگامی که با قدرتی بالاتر ارتباط دارند، اشاره دارد و سلامت وجودی بر نگرانی‌های اجتماعی و روانی افراد متمرکز است (هیل و هود<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹).

با استفاده از مبانی نظری مفهوم هوش معنوی و یافته‌های پژوهشگران، نقش هوش معنوی در زندگی فرد و جامعه به پیامدهایی همچون عملکرد و سازگاری بهتر (امونز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰)، مدیریت بر اعمال و زندگی (زهر و مارشال، ۲۰۰۴)، پیوند با جهان (ولمن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱)، خودآگاهی عمیق از ابعاد وجودی خود (سیسک<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲)، قابلیت کنکاش در مسائل وجودی و تجربیات سطوح متعالی هوشیاری (وگان<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲) می‌انجامد. اما از میان حجم چشمگیری از پژوهش‌های تجربی بر روی قشر جوان (دانشجو)، نقش هوش معنوی در سلامت عمومی (رستمی و همکاران، ۱۳۹۳) و آسایش روان‌شناختی (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴)، رفتارهای پرخطر (معلمی، ۱۳۸۹) و افسردگی (امینی جاوید و همکاران، ۱۳۹۴) مستند شده است. بر این اساس، پیگیری و مطالعه هوش معنوی نه تنها در بدنه پژوهش‌های روان‌شناختی لازم است؛ بلکه به شدت می‌تواند در توسعه سلامت نیز نقش ایفا کند (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۴).

نتایج مطالعه حیدری و همکاران (۱۳۹۴) حاکی از آن است که هوش معنوی پیش‌بینی‌کننده مثبت آسایش روان‌شناختی در دانشجویان است. کینگ (۲۰۰۸) و کینگ و دی‌سیکو<sup>۶</sup> (۲۰۰۹) هم نشان دادند که هوش معنوی با مشکلات روانی شامل افسردگی، پرخاشگری، خصومت، اضطراب و خودفریبی رابطه منفی دارد و با صفات مثبتی چون صفات خلقی، حساسیت اجتماعی، رضایت از زندگی، انرژی و فعالیت رابطه مثبت دارد. همچنین مطالعات بیانگر آن است که توانایی‌های ذهنی مرتبط با دین‌داری و معنویت، به‌ویژه توانایی تولید معنای شخصی نقش مثبتی در آسایش فاعلی دارند (آقابابائی و همکاران، ۱۳۹۰). نتایج مطالعه نصرتی و همکاران (۱۳۹۶) هم نشان داد که هوش معنوی با آسایش روان‌شناختی در دانش‌آموزان تیزهوش رابطه معناداری دارد. بر این اساس، بیشتر مطالعات صورت گرفته در زمینه هوش معنوی حاکی از آن است که هوش معنوی یکی از

1. Hill & Hood
2. Emmons
3. Wolman
4. Sisk
5. Vaughan
6. King & DeCicco

عوامل مؤثر در سلامت و ارتقای کیفیت زندگی و حتی موفقیت افراد محسوب می‌شود و فقدان آن می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات سلامت روان و بروز اختلالات روان‌شناختی در افراد شود (کینگ، ۲۰۰۹؛ حیدری و همکاران، ۱۳۹۴؛ نصرتی و همکاران، ۱۳۹۶؛ برزگر بفرویی و همکاران، ۱۳۹۶).

بنابراین، براساس آنچه گفته شد، اهمیت و ضرورت پرداختن به هوش معنوی در شرایط کنونی را می‌توان به ظهور کشش معنوی در زندگی روزانه و گستره مذهب و معنویت به مثابه نیاز انسان امروز نسبت داد. همچنین تقاضا برای درمانگران جهت آگاهی و حساسیت به مسائل معنوی و مذهبی مراجعان به ویژه در جامعه دینی ایران، ضرورت بررسی موضوع را توجیه می‌کند. علاوه بر آن، نتیجه تحقیقات در مورد رابطه ایمان و معنویت با عملکرد سالم جسمی، روانی و اجتماعی ارزیابی مجدد نقش مسائل مذهبی - معنوی در بهداشت روانی را ایجاب می‌کند. بر همین اساس در پژوهش حاضر، پژوهشگر به دنبال بررسی فرضیه‌های زیر است:

- فرضیه اول: بین هوش عمومی با آسایش معنوی رابطه وجود دارد.
- فرضیه دوم: بین هوش عمومی با هوش معنوی رابطه وجود دارد.
- فرضیه سوم: بین هوش معنوی با آسایش معنوی رابطه وجود دارد.
- فرضیه چهارم: آسایش معنوی از طریق هوش عمومی و هوش معنوی قابل پیش‌بینی است.

### روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع هم‌بستگی است. در این نوع پژوهش پس از جمع‌آوری داده‌ها، با روش هم‌بستگی به بررسی و تعیین رابطه متغیرهای پژوهش شامل هوش عمومی و هوش معنوی با آسایش معنوی پرداخته شد.

### جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و تعداد نمونه

جامعه آماری در پژوهش حاضر، عبارت از تمام دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ است که تعداد آن‌ها برابر ۶۵۰۰ نفر دانشجوی دختر و پسر است. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد؛ بدین ترتیب که در خوشه اول با مشخص کردن تمام دانشکده‌هایی که دوره

کارشناسی در آن‌ها دایر بود، تعداد ۹ دانشکده (روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم سیاسی، علوم ارتباطات، مدیریت و حسابداری، اقتصاد، علوم اجتماعی، ریاضی و رایانه، ادبیات و زبان‌های خارجی و الهیات) انتخاب شد و در خوشه دوم از هر دانشکده به‌طور تصادفی دو رشته انتخاب شد. در مرحله بعد با مراجعه به دانشکده‌ها و هماهنگی با دانشجویان هر رشته، پس از جلب رضایت و مشارکت در پژوهش و توضیحات لازم، پرسش‌نامه‌های تحقیق تکمیل شد. تعداد نمونه براساس جدول مورگان با توجه به حجم جامعه آماری ۳۶۴ نفر برآورد شد که برای جلوگیری از ریزش و افت تعداد نمونه به تعداد ۳۷۰ نفر افزایش یافت؛ اما در نهایت با حذف پرسش‌نامه‌های ناقص، نمونه نهایی به ۳۵۶ نفر رسید (تعداد ۱۴ پرسش‌نامه به دلیل ناقص بودن از تجزیه و تحلیل حذف شد).

#### ابزارهای پژوهش

۱. پرسش‌نامه هوش کتل<sup>۱</sup> (مقیاس ۳): این آزمون توسط کتل در سال ۱۹۴۳ ساخته شد. مقیاس ۳ آزمون هوش کتل برای اندازه‌گیری هوش افراد بالاتر از دیپلم، دانشگاهیان و تمام کسانی که به دلیل باهوش بودنشان برای تصدی بعضی مشاغل انتخاب شده‌اند، در نظر گرفته شده است. مقیاس ۳ این پرسش‌نامه از دو فرم A و B تشکیل شده است که هر یک از این فرم‌ها، ۴ آزمون فرعی شامل سری‌ها، طبقه‌بندی، ماتریس‌ها و شرایط را در بر می‌گیرند. زمان اجرای هر فرم ۱۴ دقیقه است و در پژوهش حاضر از فرم A استفاده شده است. آزمودنی باید از بین تصاویر سمت راست، تصویری را که طرح تصاویر سمت چپ را کامل می‌کند، تشخیص دهد که به هر تشخیص درست یک نمره داده می‌شود. نمره‌گذاری آن به صورت صفر (پاسخ غلط) و یک (پاسخ صحیح) است و مجموع نمره‌های زیرمقیاس‌ها به عنوان نمره کل در نظر گرفته می‌شود. بدین ترتیب، بر مبنای جمع نمره‌های خام آزمودنی و سن، هوش بهر استاندارد فرد تعیین می‌شود. پایایی این آزمون براساس ضریب آلفای کرونباخ در فرم لاتین برابر ۰/۷۷ بوده است. روایی این آزمون با توجه به میزان هم‌بستگی خرده‌آزمون‌ها با هوش کلی از ۰/۵۳، ۰/۶۸، ۰/۸۹ تا ۰/۹۹ بود (سالویا<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۸۹). در پژوهش انجم‌شعاع و همکاران (۱۳۹۶) پایایی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۳ به دست آمد و برای احراز روایی پرسش‌نامه از روش

1. Cattell  
2. Salvia

همسانی درونی استفاده و مشخص شد میزان هم‌بستگی بین خرده‌آزمون‌ها و نمره کل آزمون در دامنه ۰/۲۲ تا ۰/۸۳ است.

۲. پرسش‌نامه آسایش معنوی<sup>۱</sup>: این پرسش‌نامه را پولوتزین و الیسون<sup>۲</sup> (۱۹۸۲) ساخته‌اند که دارای ۲۰ سؤال است و ۱۰ سؤال آن سلامت مذهبی و ۱۰ سؤال دیگر سلامت وجودی فرد را می‌سنجد. نمره کلی آسایش معنوی از جمع این دو زیرمقیاس به دست می‌آید که دامنه آن بین ۲۰ تا ۱۲۰ است. پاسخ این سؤالات به صورت لیکرت ۶ گزینه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم دسته‌بندی شده است. در این پرسش‌نامه عبارت‌های با شماره فرد سلامت مذهبی و عبارت‌های با شماره زوج سلامت وجودی را می‌سنجند. در ایران عباسی در سال ۱۳۸۴ این ابزار را بر روی دانشجویان پرستاری هنجاریابی کرده و میزان پایایی با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمده است (فراهانی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۴). میزان پایایی پرسش‌نامه در پژوهش حاضر با روش آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس سلامت مذهبی ۰/۹۴، برای زیرمقیاس سلامت وجودی ۰/۸۹، و برای مقیاس کلی آسایش معنوی ۰/۹۵ به دست آمد.

۳. پرسش‌نامه هوش معنوی: این ابزار را خدایاری‌فرد و همکاران در سال ۱۳۹۵ برای اندازه‌گیری هوش معنوی بر روی دانشجویان دانشگاه تهران تدوین و هنجاریابی کرده‌اند. به منظور تعیین و آماده‌سازی عبارات «مقیاس هوش معنوی دانشجویان» از نتایج حاصل از تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌های انفرادی انجام‌شده با دانشجویان و ابزارهای طراحی‌شده موجود شامل مقیاس هوش معنوی ناسل<sup>۳</sup> (۲۰۰۴)، پرسش‌نامه هوش معنوی سهرابی و ناصری (۱۳۸۸)، مقیاس هوش معنوی یکپارچه امرم و دریر<sup>۴</sup> (۲۰۰۷)، نسخه ۴۴ گویه‌ای مقیاس هوش معنوی یکپارچه، سیاهه خودسنجی هوش معنوی کینگک (۲۰۰۸) استفاده شد. در مجموع از تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌ها برای هوش معنوی ۴۲ عبارت به دست آمد. در نهایت پس از تحلیل‌های مکرر بر روی مقیاس اصلی، فرم کوتاه این ابزار که شامل ۳۹ عبارت بود تدوین و در پژوهش حاضر از این فرم استفاده شد. این عبارت‌ها در قالب مقیاس سنجش از نوع طیف لیکرت ۶ درجه‌ای از هرگز یا تقریباً هرگز (نمره ۰)، به ندرت (نمره ۱)، گاهی اوقات (نمره ۲)، معمولاً (نمره ۳)، اکثر اوقات (نمره ۴) و همیشه (نمره ۵) نمره‌گذاری می‌شوند. این مقیاس ۷ عامل هوش معنوی شامل توانایی تولید معنای شخصی (۴ گویه)، تفکر انتقادی وجودی

1. spiritual well-being Questionnaire
2. Paloutzian & Ellison
3. Nasel
4. Amram & Dryer



(۵ گویه)، درک و بسط حالات آگاهی و فراروندگی (۷ گویه)، درک پدیده متعالی در ورای موجودات هستی (۴ گویه)، فهم معنا و تأثیر امور دینی (۹ گویه)، حل مسائل با استفاده از منابع معنوی (۶ گویه)، سازگاری معنوی در روابط بین فردی (۴ گویه) را در بر می گیرد. با توجه به اعداد گزارش شده میزان اعتبار براساس همسانی درونی گویه‌ها بین ۰/۷۳ تا ۰/۹۰ بود که نشان از هم‌بستگی بالای گویه‌ها با یکدیگر است همچنین باید بیان شود که میزان اعتبار کل عوامل استخراج شده برابر با ۰/۹۴ گزارش شده است (به نقل از خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۹۵). در پژوهش حاضر میزان پایایی با روش آلفای کرونباخ برای عامل توانایی تولید معنای شخصی ۰/۷۳، تفکر انتقادی وجودی ۰/۷۲، درک و بسط حالات آگاهی و فراروندگی ۰/۸۸، درک پدیده متعالی در ورای موجودات هستی ۰/۸۳، فهم معنا و تأثیر امور دینی ۰/۸۸، حل مسائل با استفاده از منابع معنوی ۰/۷۵، سازگاری معنوی در روابط بین فردی ۰/۷۸ و برای مقیاس هوش معنوی کل ۰/۹۵ برآورد شد.

### فرایند اجرای پژوهش

برای اجرای پژوهش ابتدا پس از هماهنگی با تیم اجرایی پژوهش و توضیحات لازم درخصوص چگونگی اجرای ابزارهای پژوهش به‌ویژه نحوه اجرای مقیاس هوش عمومی کتل، به اخذ مجوز از معاونت پژوهشی دانشگاه اقدام شد. در مرحله بعد از بین تمام دانشکده‌هایی که دوره کارشناسی در آن‌ها دایر بود، تعداد ۹ دانشکده و سپس از هر دانشکده به‌طور تصادفی دو رشته انتخاب شد. در مرحله بعد با مراجعه به دانشکده‌ها و هماهنگی با دانشجویان هر رشته، پس از کسب رضایت و مشارکت در پژوهش و توضیحات لازم، پرسش‌نامه‌ها در بین آن‌ها توزیع شد (البته در برخی دانشکده‌ها فقط یک رشته در سطح کارشناسی وجود داشت؛ به همین دلیل نمونه‌گیری صرفاً از همان رشته به‌عمل آمد). همچنین برای ایجاد تقویت و انگیزه در دانشجویان برای همکاری بهینه در تکمیل ابزارها، از آن‌ها خواسته شد تا ایمیل یا شماره تلفن خود را برای ارسال نتایج پژوهش در پرسش‌نامه‌ها قید کنند و بعد از تکمیل، نتایج هر فرد و به‌ویژه نمره هوش عمومی برای آن‌ها ارسال شد. تعداد کل پرسش‌نامه‌های توزیع شده ۳۷۰ پرسش‌نامه بود که پس از جمع‌آوری و حذف موارد ناقص تعداد ۳۵۶ مورد وارد تحلیل شدند. همچنین زمان اجرای پژوهش در اسفندماه ۱۳۹۶ بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها هم‌زمان از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شد.

### یافته‌ها

در توصیف افراد نمونه تحقیق می‌توان گفت که از لحاظ جنسیت ۷۳/۹ درصد افراد نمونه دختر (۲۶۳ نفر) و ۲۶/۱ درصد پسر (۹۳ نفر) بودند. میانگین سنی دانشجویان دختر ۲۰/۲۲ با انحراف استاندارد ۲/۷۹ بود و میانگین سنی دانشجویان پسر ۲۰/۳۲ و با انحراف استاندارد ۱/۸۱ بود. از لحاظ وضعیت تأهل ۹۲/۱ درصد شرکت‌کنندگان مجرد و ۷/۹ درصد متأهل بودند. از نظر طبقه اجتماعی اکثریت شرکت‌کنندگان جزو طبقه متوسط بودند (۵۲/۸ درصد)، و طبقه‌های متوسط به بالا (۳۱/۷ درصد) و متوسط به پایین (۱۰/۱ درصد) به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. از نظر نوع سکونت، بیشتر شرکت‌کنندگان با خانواده زندگی می‌کنند (۸۰/۱ درصد)، زندگی خوابگاهی با ۱۸/۸ درصد، به همراه دوستان با ۰/۶ درصد و به تنهایی با ۰/۳ درصد در رتبه‌های بعدی هستند. از نظر قومیت هم بیشتر شرکت‌کنندگان متعلق به قومیت فارس به تعداد ۱۹۸ نفر (۵۵/۶ درصد) هستند و قومیت آذری (۱۸/۸ درصد) و کرد (۵/۶ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در جدول ۱ آماره‌های توصیفی متغیرهای هوش عمومی، آسایش معنوی و هوش معنوی آمده است.

جدول ۱ آماره‌های توصیفی متغیرهای هوش عمومی، آسایش معنوی و هوش معنوی

متغیر	مؤلفه‌ها	انحراف استاندارد میانگین
هوش عمومی	-----	۹۲/۱۶±۲۰/۹۶
آسایش معنوی	سلامت مذهبی	۴۰/۶۶±۱۴/۶۰
	سلامت وجودی	۳۹/۶۲±۱۱/۸۵
	کل	۸۰/۳۰±۲۵/۰۱
هوش معنوی	توانایی تولید معنای شخصی	۱۳/۸۷±۴/۰۸
	تفکر انتقادی وجودی	۱۵/۷۱±۶/۲۱
	درک و بسط حالات آگاهی و فراروندگی	۱۹/۵۱±۷/۹۵
	درک پدیده متعالی در ورای موجودات هستی	۱۴/۶۹±۴/۵۰
	فهم معنا و تأثیر امور دینی	۲۷/۲۵±۱۱/۴۳
	حل مسائل با استفاده از منابع معنوی	۱۹/۷۴±۵/۹۳
	سازگاری معنوی در روابط بین فردی	۱۲/۷۴±۴/۱۷
	کل	۱۲۳/۶۱±۳۵/۱۴

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد بالاترین میانگین مربوط به هوش معنوی است. در بین دو مؤلفه آسایش معنوی، سلامت مذهبی با میانگین ۴۰/۶۶ بیشتر از میانگین مؤلفه سلامت وجودی بوده است. همچنین در بین مؤلفه‌های هوش معنوی، میانگین مؤلفه فهم معنا و تأثیر امور دینی، بیشتر از بقیه مؤلفه‌های هوش معنوی بوده است. در جدول ۲ ماتریس هم‌بستگی متغیرهای پژوهش با روش هم‌بستگی پیرسون آمده است.

جدول ۲ ماتریس هم‌بستگی متغیرهای هوش عمومی و هوش معنوی با آسایش معنوی

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
									۱	۱. هوش عمومی
										هوش معنوی
								۱	۰/۴	۲. توانایی تولید معنا
							۱	**۰/۸۰	۰/۱	۳. تفکر انتقادی وجودی
						۱	**۰/۵۴	**۰/۶۳	۰/۳	۴. درک و بسط حالات آگاهی
					۱	**۰/۵۶	**۰/۴۶	**۰/۵۱	۰/۰	۵. درک پدیده متعالی
				۱	**۰/۶۶	**۰/۶۶	**۰/۴۷	**۰/۴۸	۰/۲	۶. فهم معنا و تأثیر امور دینی
			۱	**۰/۶۸	**۰/۶۲	**۰/۵۸	**۰/۳۷	**۰/۴۳	۰/۸	۷. حل مسائل با منابع معنوی
		۱	**۰/۴	**۰/۴۴	**۰/۴۶	**۰/۵۲	**۰/۴۴	**۰/۴۹	۰/۲	۸. سازگاری معنوی
	۱	**۰/۷	**۰/۷	**۰/۸۴	**۰/۶۹	**۰/۷۱	**۰/۱۵	**۰/۲۵	۰/۵	۹. کل
										آسایش معنوی
۱	۰/۷	**۰/۷	**۰/۵	**۰/۲۶	۰/۱۰	**۰/۲۴	۰/۰۵	**۰/۱۶	۰/۴	۱۰. سلامت مذهبی
**۰/۰*	۰/۵*	۰/۶	۰/۸	*۰/۱۰	*۰/۱۰	**۰/۱۶	۰/۰۵	**۰/۱۹	۰/۱	۱۱. سلامت وجودی

۰/۰۱P<۰/۰۵، \*\*P<\*

در جدول ۲ بین هوش عمومی با مؤلفه‌های آسایش معنوی شامل سلامت مذهبی و سلامت وجودی رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین فرضیه اول پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین هوش عمومی با آسایش معنوی رد می‌شود. نتایج همچنین نشان می‌دهد که بین هوش عمومی و مؤلفه‌های هوش معنوی رابطه‌ای وجود ندارد؛ ولی بین هوش عمومی و مؤلفه فهم معنا و تأثیر امور دینی رابطه مثبت و معناداری در سطح ۰/۰۵ وجود دارد. بنابراین فرضیه دوم پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین هوش عمومی با هوش معنوی به غیر از مؤلفه فهم معنا و تأثیر امور دینی رد می‌شود. همچنین براساس نتایج، همبستگی بین هوش معنوی و مؤلفه‌های آن به غیر از مؤلفه‌های تفکر انتقادی وجودی و سازگاری معنوی در روابط بین فردی با آسایش معنوی در سطح ۰/۰۱ معنادار است. لذا فرضیه سوم پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین هوش معنوی با آسایش معنوی تأیید می‌شود. برای بررسی نقش هوش عمومی و هوش معنوی در پیش‌بینی آسایش معنوی از روش رگرسیون هم‌زمان استفاده شد که نتایج در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳ تحلیل رگرسیون هم‌زمان هوش معنوی براساس هوش عمومی و آسایش معنوی

مجذور R	R	سطح معناداری	T	ضرایب	ضرایب استاندارد نشده		مدل
				استاندارد- شده	خطای استاندارد	بتا	
		۰/۰۱	۶/۴۷	-	۸/۹۳	۵۷/۸۸	مقدار ثابت
۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۸۶	۰/۱۷	۰/۱۰	۰/۰۶	۰/۱۲	هوش عمومی
۰/۰۸	۰/۲۹	۰/۰۱	۱/۳۵	۰/۱۱	۰/۵۲	۰/۷۱	توانایی تولید معنا
		۰/۰۱	-۱/۵۷	-۰/۱۴	۰/۳۷	-۰/۵۸	تفکر انتقادی وجودی
		۰/۰۳	۱/۰۶	۰/۱۲	۰/۳۹	۰/۳۹	درک و بسط حالات آگاهی
		۰/۰۲	۱/۲۶	۰/۱۲	۰/۵۵	۰/۷۰	درک پدیده متعالی
		۰/۵۵	۰/۵۹	۰/۶۵	۰/۴۶	۰/۲۷	حل مسائل با منابع معنوی
		۰/۰۱	-۱/۳۹	-۱/۱۰	۰/۴۶	-۰/۶۴	سازگاری معنوی
		۰/۰۳	۰/۲۰	۰/۵۸	۰/۲۰	۰/۴۲	هوش معنوی کل

یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که هوش عمومی نتوانسته است آسایش معنوی را

پیش‌بینی کند. بین هوش معنوی و مؤلفه‌های آن شامل توانایی تولید معنا، تفکر انتقادی وجودی، درک و بسط حالات آگاهی، درک پدیده متعالی و سازگاری معنوی رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین، فرضیه چهارم پژوهش مبتنی بر آسایش معنوی از طریق هوش عمومی و هوش معنوی قابل پیش‌بینی است، تأیید می‌شود. همچنین مقدار ضرایب تعیین جدول نشان می‌دهد که متغیر هوش عمومی تنها ۴ درصد از تغییرات متغیر ملاک آسایش معنوی را پیش‌بینی کرده است و هوش معنوی و مؤلفه‌های آن توانسته‌اند ۷/۱ درصد از تغییرات متغیر ملاک آسایش معنوی را پیش‌بینی کنند.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه هوش عمومی و هوش معنوی با آسایش معنوی در دانشجویان انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین هوش عمومی با مؤلفه‌های آسایش معنوی شامل سلامت مذهبی و سلامت وجودی رابطه معناداری وجود ندارد و بین هوش عمومی و مؤلفه‌های هوش معنوی رابطه‌ای وجود ندارد؛ ولی بین هوش عمومی و مؤلفه فهم معنا و تأثیر امور دینی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین براساس نتایج، همبستگی بین هوش معنوی و مؤلفه‌های آن به غیر از مؤلفه‌های تفکر انتقادی وجودی و سازگاری معنوی در روابط بین‌فردی با آسایش معنوی معنادار است.

یافته اول پژوهش نشان داد که بین هوش عمومی و آسایش معنوی رابطه معناداری وجود ندارد. در این ارتباط پژوهشی انجام نشده بود. آسایش معنوی متغیری است که از نظر منطقی چندان ارتباطی با هوش افراد ندارد هر چند داشتن هوش با آسایش معنوی بیشتر در زندگی ارتباط دارد. اما این نکته به این معنی نیست که افرادی که هوش پایین‌تری دارند، آسایش معنوی ندارند. بنابراین متغیر آسایش معنوی با افزایش خودآگاهی، ایجاد ارتباط و پیوند با اطرافیان و دریافت حمایت اجتماعی از سوی دیگران، افزایش حس اطمینان، معنی و هدف داشتن در زندگی و میزان سلامت روانی و سازگاری افراد با رویدادهای زندگی ارتباط دارد (صفائی‌راد و همکاران، ۱۳۸۹).

یافته بعدی پژوهش نشان داد که بین هوش عمومی و تمام مؤلفه‌های هوش معنوی به غیر از مؤلفه فهم معنا و تأثیر امور دینی (هم‌بستگی مثبت) رابطه‌ای وجود ندارد. هر چند پژوهش مرتبطی در این زمینه انجام نشده است؛ اما نتایج پژوهش‌های مشابه در این زمینه ضد و نقیض است و نتایج برخی پژوهش‌ها (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۹۵) حاکی از

رابطه منفی و نتایج پژوهش‌های دیگر بیانگر وجود رابطه معنادار و مثبت است (شین<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۲ به نقل از انجم‌شعاع و همکاران، ۱۳۹۵).

در تبیین این یافته می‌توان گفت رشد شناختی و قوه استدلال فرد می‌تواند با جزء استدلالی هوش معنوی که به وجوه معنایی و آثار امور دینی معطوف است، رابطه داشته باشد. این رابطه بیان می‌کند که هوش عمومی بالا ممکن است با میزان استفاده فرد از اعمال معنوی برای نشاط و سرزندگی، خواندن کتاب آسمانی برای ارتباط با خدا، توانایی درک اثرات فرایض دینی، تدبیر در آیات آسمانی، سعی برای کسب سعادت اخروی با بهره‌گیری از عبادت، احساس معنویت در اماکن مقدس، کسب آرامش در گرفتاری‌ها با قرائت کتب آسمانی، اندیشه در نمادهای مذهبی، و اهمیت دادن به اعمال مذهبی برای تغذیه روح (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۹۵) رابطه داشته باشد. اما دلیل عدم وجود رابطه بین هوش عمومی و هوش معنوی این است که در این پژوهش تنها هوش غیر کلامی افراد سنجیده شد و هوش غیر کلامی نمی‌تواند نمایانگر تمام هوش یک فرد باشد و از سوی دیگر، به لحاظ منطقی و نظری به نظر می‌رسد که هوش کلامی بیشتر از هوش غیر کلامی با هوش معنوی و مؤلفه‌های آن ارتباط دارد، به دلیل اینکه هوش معنوی یک سازه کلامی و شناختی است و کمتر با هوش عملی ارتباط دارد. دلیل دیگر عدم وجود رابطه بین هوش عمومی و هوش معنوی دلالت بر استقلال این دو هوش دارد. هوش عمومی عمدتاً شناختی قلمداد می‌شود. هوش معنوی مستقل از هوش شناختی است و یکی از ملاک‌هایی که گاردنر برای مطرح کردن نوع جدیدی از هوش مطرح می‌کند همین استقلالش از سایر انواع هوش است. عدم وجود تأثیر هوش عمومی به‌عنوان یک توانایی انتزاعی، اختصاصی، تمایزدهنده، معنایی، کنترل‌کننده خود، کمی، مادی و عقلانی (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶) بر هوش معنوی که بنا بر نظر ویگلس‌ورث<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) سطح دیگری از هوش را نشان می‌دهد، می‌تواند حاکی از استقلال این دو سازه از یکدیگر باشد. «درحقیقت هوش معنوی پاسخ به سؤالات چگونه بودن نیست؛ بلکه پاسخ به سؤالات چرا بودن است؟ چرا شما می‌خواهید رهبر یا مدیر خوب باشید؟ چرا شما می‌خواهید پدر و مادر خوب باشید؟» (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶). می‌توان گفت هوش معنوی توانایی رفتار با عشق الهام-شده الهی است که نیازمند رشد درونی و بیرونی انسان است (ویگلس‌ورث، ۲۰۰۴).

1. Shin Shung
2. Wigglesworth

درواقع، بنابر نظر ناسل (۲۰۰۴) هوش معنوی از روابط فیزیکی و شناختی فرد با محیط پیرامون خود، فراتر می‌رود و وارد حیطه شهودی و متعالی دیدگاه فرد به زندگی خود می‌شود. این دیدگاه شامل همه رویدادها و تجارب فرد می‌شود که تحت تأثیر یک نگاه کلی قرار گرفته‌اند. فرد می‌تواند از این هوش برای چارچوب‌دهی و تفسیر مجدد تجارب، معنا و ارزش شخصی بیشتری استفاده کند. این مفاهیم بیانگر آن است که توزیع درجات بهره‌مندی از هوش معنوی با توزیع هوش عمومی در جامعه تفاوت دارد و کاهش یا افزایش هوش عمومی نمی‌تواند بیانگر اختلاف در هوش معنوی افراد به‌خصوص دانشجویان باشد. همچنین می‌توان گفت که افراد مورد مطالعه همگی دانشجو بوده‌اند و تفاوت هوش عمومی دانشجویان این قدر فاحش نبوده است که بتواند تغییرات هوش معنوی را پیش‌بینی کند. به عبارت دیگر، چون هوش عمومی آنان نسبتاً یکسان است، پس هوش معنوی‌شان هم نسبتاً یکسان خواهد بود. بر این اساس و با توجه به دلایل گفته‌شده به‌نظر می‌رسد که عدم وجود رابطه بین هوش عمومی و هوش معنوی در این مطالعه، منطقی به‌نظر برسد.

در مطالعات پیشین، انجم‌شعاع و همکاران (۱۳۹۵) نشان داده بودند که هوش عمومی با درون‌سازی اخلاق و استدلال اخلاقی رابطه دارد؛ بدین معنی که زمانی که شخص از کارکرد هوش خود در جهت درون‌سازی ارزش‌های اخلاقی استفاده کرده باشد، می‌تواند استدلال غنی‌تری داشته باشد. همچنین با وجود آنکه مطالعه حاضر رابطه‌ای بین هوش عمومی و هوش معنوی کل نشان نداد؛ اما مطالعه شین و همکاران (۲۰۱۲) نشان داد که هوش معنوی با خلاقیت و نوآوری رابطه دارد؛ به طوری که سبب بهبود عملکرد کارآفرینان می‌شود. درنهایت، رابطه هوش معنوی با دیگر انواع هوش، بیش از همه با هوش هیجانی در مطالعات متعدد بررسی شده است. از میان آن‌ها رزقی شیرسوار و همکاران (۱۳۹۵) و توان و همکاران (۱۳۹۴) هم‌بستگی زیادی را بین این دو سازه هوشی نشان دادند. این تمایز در مفهوم هوش با نتایج پژوهش حاضر هم‌راستاست و بیانگر این حقیقت است که هوش معنوی سطحی دیگر از توانمندی‌های ذهنی افراد را می‌سنجد که نسبتی با توانمندی‌های عام شناختی - استدلالی افراد ندارد. بنابر این یافته‌ها، می‌توان یادآور شد که نظام آموزشی نیازمند آن است که به غیر از هوش عمومی، جنبه‌های هوشی دیگر دانشجویان را نیز باید مدنظر قرار دهد تا توانمندی‌های ذهنی آن‌ها در سطوح عالی‌تری نیز رشد و ارتقا یابد و به‌خوبی از آن‌ها بهره‌برداری شود.

یافته آخر پژوهش نشان داد که بین هوش معنوی و مؤلفه‌های آن به غیر از مؤلفه‌های تفکر انتقادی وجودی و سازگاری معنوی در روابط بین فردی با آسایش معنوی رابطه معنادار وجود دارد و این متغیر می‌تواند به‌طور معناداری آسایش معنوی را پیش‌بینی کند. این یافته با یافته‌های پیشین همسوست (وبر و پارگامنت<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴؛ ویسر<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۰؛ مهربابی‌زاده هنرمند و همکاران، ۱۳۹۶؛ رجبی و ولدبیگی، ۱۳۹۵؛ اسدی و دلاور، ۱۳۹۴؛ دهشیری و همکاران، ۱۳۹۲).

در تبیین این یافته می‌توان اذعان داشت از آنجایی که بنا بر تعریف، آسایش معنوی شامل یک عنصر روانی - اجتماعی (ارتباط با دیگران) و یک عنصر مذهبی (ارتباط با خدا) است (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۲)، این نتایج حاکی از آن است که در نمونه حاضر بهره‌مندی از سازگاری معنوی در روابط بین فردی نتوانسته است رابطه مؤثری را در جهت آسایش معنوی نشان دهد؛ اما دیگر کارکردهای هوش معنوی شامل توانایی تولید معنای شخصی، درک پدیده متعالی در ورای موجودات هستی، فهم و معنا و تأثیر امور دینی، درک و بسط حالات آگاهی و فراروندگی، و حل مسائل با استفاده از منابع معنوی، نشان دادند که با آسایش معنوی در ارتباط متقابل هستند.

نتایج پژوهش رجبی و ولدبیگی (۱۳۹۵) نشان داد که بین انواع هوش‌های اجتماعی، هیجانی و معنوی با آسایش روان‌شناختی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، این رابطه در پژوهش اسدی و دلاور (۱۳۹۴)، وبر و پارگامنت (۲۰۱۴)، ویسر و همکاران (۲۰۱۰) به دست آمده بود. در نهایت، عدم وجود رابطه بین تفکر انتقادی وجودی و آسایش معنوی نیز در مطالعه مهربابی‌زاده هنرمند و همکاران (۱۳۹۶) نیز منعکس شده بود، به طوری که نتایج مطالعه آن‌ها رابطه‌ای بین این بُعد از هوش معنوی و سلامت روان را نشان نداد. این نتایج در مجموع نشان می‌دهند که هوش معنوی بالا از جمله ویژگی‌های آن دسته از افرادی است که آسایش معنوی بالاتری دارند.

فیشر<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) بیان می‌کند آسایش معنوی در حس رضایت به زندگی، ارزش‌ها و باورهای فرد، داشتن کلیت در زندگی، نظارت یک نیروی برتر، و تعامل معنوی انسان نمایانگر می‌شود. آسایش معنوی یکی از ابعاد معنویت است. آسایش معنوی را می‌توان

1. Weber & Pargament
2. Visser
3. Fisher



حسی از ارتباط داشتن با دیگران، داشتن معنی و هدف در زندگی و داشتن اعتقاد و ارتباط با یک قدرت متعالی تعریف کرد. طبق نظر موبرگ و بروسک<sup>۱</sup> آسایش معنوی یک سازه چندبُعدی است؛ شامل یک بُعد عمودی و یک بُعد افقی است که بُعد عمودی آن به ارتباط با خدا و بُعد افقی آن به احساس هدفمندی در زندگی و رضایت از آن بدون در نظر گرفتن مذهب خاص اشاره دارد (به نقل از جعفری و همکاران، ۱۳۹۱). بنابر یافته‌های این پژوهش که نشان داد هوش معنوی رابطه‌ای معنادار و مثبت با آسایش معنوی دارد، می‌توان بیان کرد که توانایی فرد در تولید معنای شخصی، درک پدیده متعالی در ورای موجودات هستی، فهم و معنا و تأثیر امور دینی، درک و بسط حالات آگاهی و فراروندگی، و حل مسائل با استفاده از منابع معنوی تا حدی با سلامت مذهبی و وجودی (پولوتزین و الیسون<sup>۲</sup>، ۱۹۸۲) مرتبط است. دلیل این ارتباط را این‌گونه می‌توان تبیین کرد که کارکردهای هوشی معطوف به اطلاعات معنوی به فرد کمک می‌کنند تا سازگاری و انطباق بیشتری با مسائل کلی، بین فردی و فردی زندگی پیدا کند و به‌واسطه آن به رضایت‌مندی زندگی و تعامل معنوی بیشتر با انسان‌ها و اجتماع دست یابد. این انطباق معنوی به فرد کمک می‌کند تا در هر سه بُعد شناختی، عاطفی و رفتاری آسایش معنوی، به سطوح بالای رشدی برسد و به ارتباط بهتر با نیروی برتر، احساس آرامش درونی، و روش‌های متعالی تر اظهار درونیات دینی در رفتار خود دست یابد (مظفری‌نیا، ۱۳۹۳).

به‌طور کلی، نتایج این پژوهش نشان داد که هوش معنوی متغیری مستقل از هوش عمومی است و با آسایش معنوی دانشجویان ارتباط دارد. بر همین اساس، ترویج اعتقادات، باورها، عواطف و مناسک دینی در میان دانشجویان، و نیز تأکید بر جنبه‌های معنویت در زندگی دینی و عرفی، باید با جهت رشد توانمندی‌های هوش معنوی صورت گیرد تا قابل گسترش بر دیگر حیطه‌های زندگی دانشجویان از جمله تحصیلات آن‌ها باشد.

استفاده از مقیاس غیر کلامی هوش کتل به دلیل سهولت در اجرای آن برای ارزیابی هوش عمومی یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر بود که نمی‌توانست بیانگر هوش عمومی کلی فرد باشد، این مطالعه تنها بر روی دانشجویان کارشناسی رشته‌های علوم انسانی اجرا شده و به دلیل اینکه هوش معنوی سازه‌ای است که می‌تواند تحت تأثیر تحصیلات و رشته تحصیلی افراد هم قرار گیرد، در تعمیم نتایج پژوهش به سایر دانشجویان

1. Moberg & Brusek  
2. Paloutzian & Ellison

مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری و رشته‌های فنی - مهندسی و علوم پزشکی باید احتیاط کرد.

بر اساس محدودیت‌های تحقیق و نتایج به دست آمده به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود (۱) به مقایسه هوش معنوی در دانشجویان بر اساس مقطع تحصیلی و رشته تحصیلی بپردازند تا تأثیر سطح تحصیلات و رشته در میزان هوش معنوی افراد مشخص شود، (۲) در مطالعات آتی برای سنجش هوش عمومی از مقیاس‌های جامع‌تر هوش که هوش‌بهر کلامی و غیر کلامی را توأمان سنجش می‌کنند، استفاده شود، (۳) استفاده از روش‌های مطالعه طولی و مداخله‌ای برای ارزیابی تأثیر هوش معنوی در زمینه‌های مختلف زندگی فرد از جمله معنویت و آسایش معنوی می‌تواند نتایج کامل‌تری به دست دهد.

قدردانی: بدین وسیله از حمایت معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی که زمینه اجرای طرح پژوهشی حاضر را فراهم کردند و تمام دانشجویان دانشگاه که در پژوهش حاضر مشارکت کردند، سپاسگزاری می‌کنم.

## منابع

- اسدی، ر.، و دلاور، ع. (۱۳۹۴). کاربرد مدل‌سازی معادلات ساختاری PLS در تبیین اثرات متغیرهای جمعیت‌شناختی بر هوش معنوی با میانجی‌گری آسایش ذهنی. *اندازه‌گیری تربیتی*، ۲۲، ۱-۳۹.
- امینی جاوید، ل.، زندی‌پور، ط.، و کرمی، ج. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش هوش معنوی بر افسردگی و شادکامی دانش‌آموزان دختر. *زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)*، ۲۶(۲)، ۱۴۱-۱۶۸.
- انجم‌شعاع، م. ر.، حسینی‌چاری، م.، و لطیفیان، م. (۱۳۹۶). رابطه هوش عمومی و استدلال اخلاقی: نقش واسطه‌گری ابعاد هویت اخلاقی. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۲۷، ۶۳-۸۶.
- آقابابائی، ن.، فراهانی، ح.، و فاضلی مهرآبادی، ع. (۱۳۹۰). هوش معنوی و آسایش فاعلی. *روان‌شناسی و دین*، ۳، ۸۳-۹۶.
- برزگر بفرویی، ک.، برزگر بفرویی، م.، دهقان منشادی، م.، و کیان، م. (۱۳۹۶). نقش هوش معنوی و عمل به اعتقادات مذهبی در سلامت روان دانشجویان معلمان دانشگاه فرهنگیان. *اخلاق*، ۲۶، ۱۳۵-۱۵۶.
- بیرامی، م.، محمدپناه اردکان، ع.، فاروقی، پ.، و قانع، م. (۱۳۹۴). پیش‌بینی اضطراب مرگ بر اساس هوش معنوی در تعدادی از دانشجویان و طلبه‌های حوزه علمی اردکان و میبد. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۱۴(۵)، ۲۱-۳۷.
- توان، ح.، توان، س.، احمدی، ز.، و زندنیان، ف. (۱۳۹۴). ارتباط هوش معنوی و هوش هیجانی با برخی متغیرهای جمعیت‌شناختی در دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایلام در سال ۱۳۹۳. *مجله حکیم سید اسماعیل جرجانی*، ۳(۳)، ۱۲۷-۱۳۴.
- خدایاری فرد، م.، خرمی مارکائی، ع.، غباری بناب، ب.، سهرابی، ف.، زمانپور، ع.، راقیبیان، ر.، افروز، غ.

- فرزاد، و.، محمودی، ن.، زینلی زاده، ب.، و تنکمانی، ن. (۱۹۹۵). طراحی و تعیین روایی محتوایی و صوری مقیاس هوش معنوی در دانشجویان ایرانی. *پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، ۴، ۳۹-۴۹.
- جعفری، ع.، حاجلو، ن.، فغانی، ر.، و خزان، ک. (۱۳۹۱). رابطه آسایش معنوی و سرسختی روان‌شناختی با سلامت روانی سالمندان. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۰(۶)، ۴۳۱-۴۴۰.
- حیدری، ا.، کوروش‌نیا، م.، و حسینی، س. م. (۱۳۹۴). رابطه بین هوش معنوی و شادکامی به واسطه آسایش روان‌شناختی. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۲۱، ۷۳-۸۶.
- دهشیری، غ.، نجفی، م.، سهرابی، ف.، و ترقی‌جاه، ص. (۱۳۹۲). ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه آسایش معنوی در میان دانشجویان. *مطالعات روان‌شناختی دانشگاه الزهراء*، ۹(۴)، ۷۳-۹۸.
- رجبی، س. و ولدییگی، پ. (۱۳۹۵). پیش‌بینی آسایش روان‌شناختی براساس هوش‌های معنوی، هیجانی و اجتماعی در دانشجویان. *رویش روان‌شناسی*، ۵(۱۴)، ۱۹۹-۲۱۶.
- رزقی شیرسوار، ه.، عمویی، ع.، و موسوی، م. م. (۱۳۹۵). ارائه مدل ساختاری رابطه هوش معنوی، هوش هیجانی و رفتار شهروندی سازمانی با سازگاری شغلی کارکنان (هیئت علمی و غیر هیئت علمی) دانشگاه علوم پزشکی زابل. *مدیریت بهداشت و درمان*، ۷(۴)، ۵۳-۶۳.
- رستمی، م.، مهربان، ش.، شریفی، م.، بازاریار، س.، محمدی، م.، محمد علیپور، ز.، و بختیاری، و. (۱۳۹۳). رابطه هوش معنوی با سلامت عمومی در دانشجویان. *رفاه اجتماعی*، ۱۴(۵۳)، ۱۵۱-۱۶۳.
- سهرابی، ف. (۱۳۸۷). مبانی هوش معنوی. *سلامت روان*، ۱(۱)، ۱۴-۱۸.
- سهرابی، ف.، اعظمی، ی.، و درمنکی فراهانی، س. (۱۳۹۷). مبانی نظری و تبیین مؤلفه‌های هوش معنوی در دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی. طرح درون‌دانشکده‌ای، مصوب معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی.
- سهرابی، ف.، و ناصری، ا. (۱۳۸۸). بررسی مفهوم و مؤلفه‌های هوش معنوی و ساخت ابزاری برای سنجش آن. *پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ۴(۱۲)، ۶۹-۷۷.
- صفائی‌راد، ا.، کریمی، ل.، شموسی، ن.، و احمدی‌طهور، م. (۱۳۸۹). رابطه بهزیستی معنوی با سلامت روان در دانشجویان. *علوم پزشکی سبزوار*، ۱۷(۴)، ۲۷۴-۲۸۰.
- عباری‌بناب، ب.، سلیمی، م.، سلیمانی، ل.، و نوری‌مقدم، ث. (۱۳۸۶). هوش معنوی. *اندیشه نوین دینی*، ۳(۱۰)، ۱۲۵-۱۴۸.
- فراهانی‌نیا، م.، عباسی، م.، گیوری، ا.، و حقانی، ح. (۱۳۸۴). سلامت معنوی دانشجویان پرستاری و دیدگاه آن‌ها در مورد معنویت و مراقبت معنوی از بیماران. *پرستاری ایران*، ۱۸(۴۴)، ۷-۱۴.
- کشمیری، م.، و عرب‌احمدی، ف. (۱۳۸۷). *هنجاریابی مقدماتی آزمون هوش معنوی در دانشجویان دانشگاه منابع طبیعی شهر گرگان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی عمومی، دانشگاه پیام‌نور بهشهر.
- مظفری‌نیا، ف. (۱۳۹۳). *بررسی رابطه بین آسایش معنوی با شادکامی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۹۳*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشگاه تربیت مدرس.
- معلمی، ص.، بخشانی‌نور، م.، و رقیبی، م. (۱۳۸۹). بررسی رابطه سلامت روان، هوش معنوی و افکار در دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان. *اصول بهداشت روانی*، ۱۲(۴)، ۷۰۲-۷۰۹.

- مهرابی‌زاده هنرمند، م.، کریم‌زاده نگاری، ع.، و صفایی مقدم، ص. (۱۳۹۶). رابطه هوش معنوی و منبع کنترل درونی با سلامت روان در دانشجویان. *پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۲۰(۱)، ۷۵-۶۲.
- نصرتی، ف.، رحیمی‌نژاد، ع. و قیومی نائینی، ع. (۱۳۹۶). رابطه دلبستگی به والدین، هوش معنوی و جنسیت با آسایش روان‌شناختی در دانش‌آموزان تیزهوش. *روان‌شناسی مدرسه*، ۶(۴)، ۱۷۶-۱۹۸.
- Craven, R. F., & Hirnle, C. J. (2003). *Fundamentals of nursing: human health and function*. 4th ed. Philadelphia: Lippincott Williams and Wilkins; Pp. 1383-1392.
- Emmons, R. A. (2000). *The psychology of ultimate concerns: Motivation and spirituality in personality*. New York: Guilford Press.
- Fisher, J. (2010). Development and application of a spiritual well-being questionnaire called SHALOM. *Religions*, 1(1), 105-121.
- Gardner, H. E. (2000). *Intelligence reframed: Multiple intelligences for the 21st century*. Hachette UK.
- Gardner, H. (2000). A case against spiritual intelligence. *The international journal for the psychology of religion*, 10(1), 27-34.
- Hill, P. C., & Hood, R. W. (Eds.) (1999). *Measures of religiosity* (pp. 119-158). Birmingham, AL: Religious Education Press.
- King, D. B. (2008). *Personal meaning production as a component of spiritual intelligence*. Proceeding of the 5th Biennial International Conference on Personal Meaning; July 2427, Toronto, Ontario, Canada.
- King, D. B., & DeCicco, T. L. (2009). A viable model and self-report measure of spiritual intelligence. *International journal of transpersonal studies*, 28(1), 68-85.
- Nasel, D. D. (2004). *Spiritual Orientation in Relation to Spiritual Intelligence: A consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality*. Thesis submitted for the degree of doctor of Philosophy in the University of South Australia, Division of Education, Arts and Social Sciences, School of Psychology. Submitted on the 11th of March. New York: Basic Books.
- Paloutzian, R. F., & Ellison, C. W. (1982). *Loneliness, spiritual well-being and quality of life*. In L.A. Peplau and D. Perlman (Eds.), *Loneliness: A sourcebook of current theory, research and therapy*. New York: Wiley.
- Salvia, J., & Ysseldyke, S. (1989). *Assessment in special and remedial education*. Boston: Houghton Mifflin.
- Sisk, D. A. (2002). Spiritual intelligence: The tenth intelligence that integrates all other intelligence. *Gifted Education International*, 16(3), 208-212.
- Smith, M. (2005). *Spiritual quotient questionnaire*. Retrieved from internet: [www.consciouspursuits.com](http://www.consciouspursuits.com).
- Vaughan, F. (2002). What is Spiritual intelligence? *Journal of Humanistic Psychology*, 42(2), 16-33.
- Visser, A., Garssen, B., & Vingerhoets, A. (2010). Spirituality and well-being in cancer patients: a review. *Psycho-Oncology*, 19(6), 565-572.
- Weber, S. R., & Pargament, K. I. (2014). The role of religion and spirituality in mental health. *Current opinion in psychiatry*, 27(5), 358-363.
- Wigglesworth, C. (2004). *Spiritual intelligence and why It Matters*. The Inner words

Messenger, A Newsletter to Spark the Inner Journey. Retrieved from internet: [www.consciouspursuits.com](http://www.consciouspursuits.com).

Wolman, R. N. (2001). *Thinking with your soul: Spiritual intelligence and why it matters*. New York: Harmony Books.

Zohar, D., & Marshal, I. (2004). *Spiritual Capital, Wealth We Can Live by Using Our rational, emotional, and Spiritual Intelligence to Transform Ourselves and Corporate Culture*. London: Bloomsbury.

Zohar, D., Marshall, I., & Marshall, I. N. (2000). *SQ: Connecting with our spiritual intelligence*. London: Bloomsbury Publishing.

Archive of SID